



دانشگاه هنر اصفهان

دانشکده هنرهای تجسمی و کاربردی  
گروه صنایع دستی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی گرایش طرح و تولید

سیر تحول نگاره انسان بر سفالینه های سلجوقی تا صفوی

استاد راهنما:

دکتر مهرانوش شفیعی

استاد مشاور:

امیر عباس محمدی راد

پژوهشگر:

ساناز رفیعی طاقانکی

تیرماه ۱۳۹۰

## اظهارنامه‌ی دانشجو

اینجانب ساناز رفیعی طاقانکی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی گرایش طرح و تولید گروه سفال و سرامیک دانشکده دانشگاه هنر اصفهان به شماره ی دانشجویی ۸۷۱۱۳۰۹۱۰۵ گواهی می نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه با عنوان سیر تحول نگاره انسان بر سفالینه های سلجوقی تا صفوی توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. همچنین گواهی می نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه را به طور کامل رعایت کرده‌ام.

امضاء دانشجو:

تاریخ:

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه هنر اصفهان محفوظ است.

نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



دانشگاه هنر اصفهان

دانشکده هنر های تجسمی و کاربردی  
گروه صنایع دستی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی گرایش طرح و تولید  
آقای/خانم ساناز رفیعی طاقانکی تحت عنوان:  
سیر تحول نگاره انسان بر سفالینه های سلجوقی تا صفوی

ارایه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای درجه‌ی کارشناسی ارشد که در تاریخ..... توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره.....درجه ..... به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد/استادان راهنمای پایان نامه آقای/خانم دکتر ..... با مرتبه علمی ..... امضاء

۲- استاد/استادان مشاور پایان نامه آقای/خانم دکتر ..... با مرتبه علمی ..... امضاء

۳- استاد/استادان داور داخل گروه آقای/خانم دکتر ..... با مرتبه علمی ..... امضاء

۴- استاد/استادان داور خارج از گروه آقای/خانم دکتر ..... با مرتبه علمی ..... امضاء

امضای مدیر گروه

سپاس فراوان از پدر و مادر عزیزم که همیشه مایه ی دلگرمی من بوده اند . و درود بی شاعبه بر اساتید محترم دانشگاه هنر اصفهان به ویژه سر کار خانم دکتر شفیعی و جناب آقای محمدی راد و تقدیر خالصانه از برادر بزرگوارم جناب آقای محمد دریسای و همه آنهایی که مرا در نگارش این پایان نامه یاری نمودند .

تقدیم به همه انسان های خوب زمین

A toutesles meilleures personnes

Ich widme das all der besten leuten

Its for all good people on the world

Dunyanin butuf insular tqzym

چکیده:

انسان یکی از موضوعاتی است که در طول تاریخ همواره مورد توجه آدمی بوده است. و نگاره انسان در همه هنرها جدا از نوع بینهش، تفکر هنرمند و ملیت او در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گرفته است.

در هنر و صنایع دستی ایران نیز از نگاره انسان استفاده های بسیاری شده است. تصویر گری انسان در عصر سلجوقی تاکید دارد بر نمایش انسان به مثابه جوهر و تمثیل نمادین آن اما با گذر زمان و گذر تدریجی در نوع تفکر هنرمندان تصویر گری انسان در عصر صفوی نشان دهنده جنبه زمینی و مادی انسان دارد

در این پژوهش هدف آن است تا با شناخت کلی از آثار سفالین دوره سلجوقی تا صفوی در بردارنده نگاره انسان و بررسی تحولات این نگاره به طراحی جدیدی از نگاره انسان برای کاربرد در سفال معاصر ایران دست یافت.

سوالات مهم مطرح شده در این پژوهش شامل سوال در مورد آثار حاوی نگاره انسان و بررسی نگاره ها است.

روش گرد آوری مطالب از این تحقیق کتابخانه ای بوده است.

واژگان کلیدی: سیر تحول، نگاره انسان، سلجوقی، صفوی

شماره صفحه	عنوان
	فصل اول کلیات
۲	۱-۱ مقدمه .....
۲	۱-۲ اهداف پژوهش .....
۲	۱-۳ قلمرو زمانی .....
۳	۱-۴ فرضیه ها .....
۳	۱-۵ روش پژوهش .....
۳	۱-۶ روش یافته اندوزی .....
۳	۱-۷ اهمیت و ضرورت تحقیق .....
۳	۱-۸ محدودیتهای پژوهش .....
۳	۱-۹ بخش عملی پایان نامه .....
	فصل دوم ادبیات پژوهش
۵	۱-۲ کلیات .....
۵	۱-۲-۱ اسلام و شناخت هنر اسلامی .....
۶	۱-۲-۲ جایگاه تصویری انسان در قرآن .....



۷	۳-۱-۲ تجسم انسان در هنرهای مصور دوره اسلامی .....
۱۰	۴-۱-۲ انسان در نگاه ایرانی .....
۱۳	۲-۲ سلجوقیان.....
۱۳	۱-۲-۲ دوران حکومت سلاجقه در ایران .....
۱۴	۲-۲-۲ مروری کوتاه در هنر سلجوقی .....
۱۵	۳-۲-۲ سفالگری در دوره سلجوقیان .....
۱۷	۳-۲ ایخانان..... ۱-۳-۲ مقدمه تاریخی و هنری .....
۱۹	۲-۳-۲ تاثیر چین بر هنر ایلخانی .....
۲۱	۳-۳-۲ خصوصیات زیبایی شناسی نگارگری ایلخانی.....
۲۲	۴-۳-۲ سفالگری دوره ایلخانیان.....
۲۵	۵-۳-۲ خصوصیات مهم و اصلی هنر سفالگری ایران در دوره ایلخانی .....
۲۶	۶-۳-۲ کیفیت وزیانی سفال ایران در دوره ی ایلخانیان .....
۲۸	۷-۳-۲ مضامین و موضوع ظروف سفالین دوره ایلخانی.....
۲۹	۸-۳-۲ مراکز مهم سفالگری ایلخانی .....
۳۰	۹-۳-۲ تن پوش در دوره ایلخانی در سفال .....
۳۴	۴-۲ سلسله تیموریان.....
۳۴	۱-۴-۲ انسان در نگاه تیموری .....

۳۶	..... ۲-۴-۲ ویژگی های زیبا شناختی مکتب تیموری .....
۳۷	..... ۲-۴-۳ سفالگری دوره تیموریان .....
۳۹	..... ۲-۴-۴ پوشاک تیموریان .....
۴۱	..... ۲-۵-۱ سلسله صفویان .....
۴۱	..... ۲-۵-۱ تاریخچه سلسله صفوی .....
۴۳	..... ۲-۵-۲ مذهب در عصر صفویه .....
۴۴	..... ۲-۵-۳ ادبیات در عصر صفویه .....
۴۵	..... ۲-۵-۴ زمینه های تغییر ساختار دینی و سیاسی در پیدایش مکتب اصفهان .....
۴۷	..... ۲-۵-۵ نقاشی در عصر صفویه .....
۴۸	..... ۲-۵-۶ تک پیکره نگاری و زمینه های شکل گیری سبک نقاشی اصفهان .....
	فصل سوم تجزیه و تحلیل
۵۶	..... ۳-۱-۱ انسان در سفالینه های سلجوقی .....
	..... ۳-۱-۱ بررسی شکل انسان از نظر تجسمی در سفالینه های سلجوقی .....
۵۶	..... ۳-۱-۲ نقش انسان منفرد در سفالینه های سلجوقی .....
۶۲	..... ۳-۱-۳ نقوش زوج های انسانی در حال گفتگو در سفالینه های سلجوقی .....
۶۷	..... ۳-۱-۴ گروه شاهان و شاهزادگان در سفالینه سلجوقی .....
۶۸	..... ۳-۱-۵ نمونه هایی از ظروف سفالین سلجوقی با نقش شاهان و ملازمان آنها .....

۷۳	..... ۳-۱-۶ نقوش سوار کاران در سفالینه های سلجوقی
۷۵	..... ۳-۱-۷ ارتباط نقوش انسانی با فرم ظرف در سفالینه های سلجوقی
۷۷	..... ۳-۱-۸ هاله دور سر انسانها در سفالینه سلجوقی
۷۸	..... ۳-۱-۹ ارتباط ادبیات کهن ایران با نقوش انسانی سفالینه های سلجوقی
۸۴	..... ۳-۱-۱۰ تاثیر مفاهیم نجومی بر نقوش انسانی سفالینه های سلجوقی
۸۷	..... ۳-۱-۱۱ مشخصات چهره انسان ها در سفالینه های سلجوقی
۹۳	..... ۳-۱-۱۲ طرح و نقش لباس در نقوش انسانی دوره سلجوقی
۱۰۱	..... ۳-۲ انسان بر سفالینه های ایلخانی
۱۰۳	..... ۳-۳ نگاره انسان بر سفالینه های تیموری
۱۰۵	..... ۳-۴ نگاره انسان بر سفالینه های صفوی
۱۰۸	..... ۳-۵ تاثیر نقوش انسانی سفالینه های دوره ی سلجوقی بر دوره های بعد
۱۱۲	..... ۳-۶ سیر تحول تدریجی نگاره انسان از عصر سلجوقی تا صفوی
	فصل چهارم بخش عملی
۱۱۵	..... بخش عملی
۱۱۶	..... نتیجه گیری

## فصل اول - کلیات

## ۱- مقدمه

انسان یکی از موضوعاتی است که در طول تاریخ همواره مورد توجه بشر بوده است. و نگاره انسان در همه هنرها فارغ از نوع بینش، تفکر هنرمند و ملیت او در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گرفته است. که با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی اعتقادی هر هنرمند کیفیت مادی یا ماورایی پیدا می‌کند. در هنر و صنایع دستی ایران نیز از نگاره‌ی انسان استفاده‌های بسیاری شده است. یکی از رشته‌های صنایع دستی که در آن از نگاره انسان بسیار استفاده شده سفالگری است.

تحقیقات انجام شده پیرامون سفالینه‌های ایرانی و نقوش آن از جمله انسان بیشتر جنبه توصیفی دارد. در این تحقیق بر آن است تا سیر تحول نگاره انسان از دوره سلجوقی تا صفوی با نگاه تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد.

این پژوهش در چهار فصل تنظیم گردیده. که در فصل اول کلیات کار، شیوه گرد آوری مطالب، اهداف پژوهش فرضیه‌ها، محدودیتهای پژوهش و بازه زمانی که در این پایان نامه مدنظر بوده است توضیح داده شده.

فصل دوم این پژوهش ادبیات تحقیق را بیان می‌کند که توضیح جامعی است درباره‌ی معرفی دوران‌های تاریخی مدنظر این پایان نامه. شرح ویژگی‌های خاص زیبایی‌شناسی نگارگری هر دوره، شرایط اجتماعی، مذهبی و فرهنگی هر دوره و عوامل تاثیر گذار داخلی و خارجی بر هنر هر دوره از عصر سلجوقی تا صفوی و معرفی سفال هر دوره تکنیکهای ساخت آن در فصل سوم این پژوهش منعی بر آن است تا با مدد از شناخت کلی که از هر دوره در فصل دوم به دست آمد به تجزیه و تحلیل نقش انسان بر سفالینه‌های دوره سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی دوم پرداخته شود و در انتهای این فصل نیز شرح سیر تحول نگاره انسان بر سفالینه‌های عصر سلجوقی تا صفوی گنجانده شده و در انتها در فصل چهارم به شرح پروژه علمی نگارنده پرداخته شده است.

## ۲- اهداف پژوهش

- ۱- شناخت اجمالی از آثار سفالی دوره سلجوقی تا صفوی که در بردارنده نگاره انسان هستند.
- ۲- بررسی تحلیلی تحول نگاره انسان از دوره سلجوقی تا صفوی.

## ۳- اقلمرو زمانی

این رساله به بررسی نگاره انسان در بازه زمانی سلسله سلجوقی تا صفوی در ایران می‌پردازد که دوران سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی را در بر می‌گیرد.

## ۴- فرضیه‌ها

- ۱- نگاره انسان در سفالینه های سلجوقی تا صفوی جنبه روایی برای بیان ادبیات را دارد .
- ۲- نگاره انسان در دوره سلجوقی دارای کیفیت ماورایی می باشد به تدریج این کیفیت تا دوره صفوی به کیفیت زمینی و مادی نزدیک می شود .

## ۵-۱ روش پژوهش

در این رساله روش پژوهش به لحاظ هدف کاربردی عملی می باشد و از نظر روش دیدی تاریخی توصیفی و تطبیقی - تحلیلی را دنبال می کند .

## ۶-۱ روش یافته اندوزی

روش یافته اندوزی در این رساله کتابخانه ای می باشد .

## ۷-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

دوره سلجوقی را می توان به لحاظ ساخت لعاب زرین فام در این دوره و ورود ادبیات به نقوش سفالینه ها درخشان ترین دوره سفال ایران بعد از اسلام دانست . انسان یکی از موضوعاتی است که در این دوره بسیار بر سفالینه ها تصویر شده که نوع خاص به تصویر کشیدن انسان در این دوره و تحول آن در دوره های بعد می توان به اهمیت این نقش پی برد . با بررسی سیر تحول نگاره انسان می توان از این نقوش شناخت بهتری کسب کرد و از آن متناسب با نیاز روز سفال معاصر بهره برد .

## ۸-۱ محدودیتهای پژوهش

- ۱- کمبود منابع مکتوب در زمینه پژوهش
- ۲- عدم دسترسی به تعداد بیشتری از نمونه های تصویری سفالینه ها باموضوع نگاره انسان.
- ۳- کمبود منابع مکتوب و تصویری با موضوع سفالینه های ایلخانی و تیموری.

## ۹-۱ بخش عملی پایان نامه

در بخش عملی این پایان نامه سعی بر آن است تا با استفاده از نگاره های انسان در دوره های سلجوقی تا صفوی برای سفال معاصر ایران به طراحیهای جدید با نگاه به جامعه امروز انجام شود . و به بازسازی طرحهای گذشته نیز توجه شده است.

فصل دوم  
ادبیات پژوهش

## ۲-۱ کلیات

### ۲-۱-۱ اسلام و شناخت هنر اسلامی

نوای دلنشین عالم گیر و وحدت بخش دین مبین اسلام، مایه ی روی آوردن ملیتهای مختلف با ویژگیها و سوابق فرهنگی و تاریخی گوناگون به اسلام و پایه گذاری فرهنگ و تمدن آن شد. با گذشت زمان آنچه در ابتدا و در ظاهر با کشور گشایی همراه بود، به صورت سلطه ی معنوی، تخیر قلبها و اتحاد دینی و فرهنگی در آمد. اسلام در حالی که بیش از سایر ادیان کهن سال تر از خود به نیازمندی هادی مادی و معنوی انسان پاسخ می داد، آنرا به دینداری و تقوا و وحدت در پرتو آن برا خواند و با بهره گیری و جهت دهی به میراث به جای مانده از دنیای مسیحیت و سنت های هنری ایران و دیگر سرزمینهای اسلامی، زمینه ساز ابداع و شکل گیری فرهنگ و تمدن و هنر اسلامی شد و صورت های هنری بدیع و نگاه شیوه های خاص خود را در عالم هنری جلوه گر ساخت. فرهنگ و تمدن اسلامی هنر و آفرینش های هنری رابه عنوان راهی برای عبادت و تزکیه، کسب فضل و منش و اخلاق پسندیده و تعالی انسان بکار گرفت و چه ثمرات گرانبهای فراوانی که در تاریخ اسلام بیار نشست. (رسولی ۱۳۸۲، ۶۸)

باید خاطر نشان کرد که هنر اسلامی یکباره با ظهور اسلام پدیدار نشد، زیرا ساکنان شبهه جزیره عربستان بخصوص قبایل بیابان گرد، سنتهای هنری خاصی نداشتند. ویژگیهای اساسی هنر اسلامی در حدود یک قرن پس از رحلت حضرت محمد (ص) و در اواخر خلافت امویان شکل گرفتند. پیش از این هنر التقاطی تحت تاثیر سنتهای بیزانسی و ایرانی رخ نمود که حتی مظاهر شرک آمیز در آن اندک نبود. (پاکباز ۱۳۷۹، ۷۲۶)

ویژگیهای هنر اسلامی که ابتدا سادگی مظهر آن است باروح جاودان خواهی فلسفه اسلامی و رنگ و شفافیت لعابهای ساخته شده که خود بخشی از کیمیا گری اسلامی است، تقدس مذهبی خود را با بکارگیری خطوط کوفی به کمال میرساند و جلوه زیبایی حقیقی به آن می بخشد. هنر سفالگری دوره ی اسلامی از ترکیب فلسفه و حکمت و فن مشتق می شود و تبلور زمینی روح مکاشفه ای اسلامی است، همچون انعکاس حقایق آسمانی در روی زمین، انعکاسی که به کمک آن هنرمند مسلمان ان سفر زمینی خود را به عالمی که حضور خداوند باری تعالی در آن است به انجام میرساند و به حقیقت که اصل و سر انجام این هنر است می رسد. (نصر ۱۳۵۹، ۲۰)

تزئین در هنر اسلامی پیوسته جایگاهی رفیع داشته است. تزئین هم می تواند شکل را تزئین بخشد و هم فی نفسه از نظر زیبایی شناسی دارای ارزش می باشد. (پوپ ۱۳۳۸، ۵۷)

یکی از ویژگیهای هنر اسلامی گریز از تصویر برداری از طبیعت و توجه به تجارب درونی هنرمند است. قابلیت هنری ایران سبب شد تا هنرمند با ایجاد اشکال و نقوش تجریدی، آفریده های جمال را از پرده مختص خود بدر آورد و در کلیتی برتر از زمان و مکان جلوه دهد، بطور خلاصه هنر اسلامی هنر نقوش مطلق و هنر تجریدی است. (وزیری، ۱۳۷۳،

(۸۱)



## ۲-۱-۲ جایگاه تصویری انسان در قرآن

چهره پردازی و خلق وجوه مختلف سیمای انسان همواره جایگاه ارزشمندی در عرصه خلاقیت‌های ادبی، تجسمی و موسیقی داشته است. بدین قرار اهمیت کار هر هنرمند به استعداد و قدرت بیان وی از دیدگاه زیبایی‌شناسی و طرح مختصات مادی و جهان معنوی انسان و مناسبات او با جهان خارج بستگی دارد. به دیگر سخن نحوه تلقی و باز آفرینی انسان در شیوه‌های مختلف هنری بستگی تام به رشد شرایط تاریخی، انضمامی و رشد نظریات زیبایی‌شناسی که تعیین‌کننده اهداف و آرمان‌های انسان‌های همان عصر است خواهد داشت. (رحیمو و پولیاکوا ۱۳۸۱، ۱۰)

اسلام به واسطه خاتمه دادن به بت پرستی ترسیم و نمایش صور موجودات ذی روح و تندیس سازی را حرام دانسته است به مسلمانان دستور داده می‌شد که تنها نبات و جماد را تصویر کنند.

چنان که در حدیث نیز آمده است « ان الذین یصنعون هذه الصور یعذبون یوم القیامه و قال لهم حیوا ما خلقهم » همانا کسانی که صورت سازی میکنند در روز قیامت عذاب میشوند و به آنها گفته می‌شود آنچه را که ساخته اید زنده کنید. لیکن با دقت نظری از آثار هنری به جای مانده از قرون وسطی شرق و بررسی نقاشی‌های اینگونه آثار با تصاویر از انسان به منزله موضوع اصلی در کنار پرندگان و دیگر جانداران مواجه می‌شویم در آئین اسلام بر خلاف مسیحیت و آئین بودا که تصاویر را به عنوان مظهری از ذات خداوندی ستایش می‌کنند پرداختن به تصاویر انسان و ترسیم شمایل و ساخت تندیس منع شده بود. (رحیمو و پولیاکوا ۱۳۸۱، ۹۱)

اینکه برخی از فقیهان و محدثان متاخر و نیز بعضی محققان معاصر به استناد احادیث نبوی چونان « اشد الناس عذاباً یوم القیامه المصورون » بیشترین عذاب در روز قیامت برای تصویرگران است و « ان الملائکه لا یدخلون بیتا فیه کلب او تصاویر » فرشته‌ها در خانه‌ای که سگ و نقاشی باشد وارد نمیشوند. تصویر و صورت‌گری را به طور مردود دانسته‌اند ناظر به جنبه‌های وجوه ضد اخلاقی تصاویری است که مصوران به لحاظ شیوع لهو و لعب فراهم می‌کرده‌اند. وگرنه سیرت رسول (ص) هم می‌نمایاند که آن حضرت با تصویرهایی که ضد اخلاقی نبوده مخالفتی نورزیده‌اند.

اصحاب نظر در تاویل این گونه روایات با یکدیگر همداستان نبوده‌اند بسیاری از عالمان و فقیهان معاصر ایران دین روایات را مختص به شرایط عصر آغازین اسلام دانسته‌اند مثلاً شیخ محمد عبده در این باره گفته است آنانی که تصویرگری را مردود شمرده‌اند در تاویل حدیث « ان اشد الناس عذاباً یوم القیامه المصورون » به جمود اندیشه گرفتار آمده‌اند چون دانسته‌اند که این حدیث ناظر به تصاویری است. (رحیمو و پولیاکوا ۱۳۸۱، ۹۲)

گمان میرود استناد به همین احادیث و روایات سبب به وجود آمدن نوع خاصی از تصویرگری انسان شد که بر ذات و جوهره وجودی انسان تأکید دارد و فاقد تعین و جنبه‌های زمینی است. چرا که خلق انسان به روش طبیعت‌گرایانه را مختص خداوند میدانند. این نوع از تفکر و بینش را می‌توان در انسان‌های تصویر شده بر آثار سفالین دوره سلجوقی به روشنی مشاهده کرد.

## ۲-۱-۳ تجسم انسان در هنرهای مصور دوره اسلامی

با پیروزی اعراب مسلمان و انقراض امپراتوری ساسانی، دورانی جدید در تاریخ هنر ایران آغاز شد ایران بخشی از جهان اسلام شد و در شکل گیری و تحول تمدن اسلامی نقش با اهمیتی را ایفا کرد. خلفای بنی امیه و سپس عباسیان به هنر ایرانی دل بستگی زیادی نشان داده اند. خلفای اموی در ساختن و آراستن کاخها، استفاده از اشیاء گران بها، و حتی در ضرب سکه ها مقلد پادشاهان ساسانی بودند. از نقوش انسانی این دوره می توان به نقوش دیوارنگاره های قصر الحیر غربی در دمشق اشاره کرد (این نقاشی ها در حدود ۷۳۰ م / ۱۱۲ ه. ق اجرا شده اند. در یک صحنه مردی سوار بر اسب سیاه در پی غزالها می تازد و بر آنها تیر می اندازد. که این موضوع همان طور که گفته شد از دوران ساسانی و حتی قبل تر از آن وارد هنر اسلامی شد. همچنین در میان نقاشی های کاخ قصیره عمره (در اردن کنونی) به مجلسی بر میخوریم که در آن شش شخصیت مهم با لباسهای زر نگار و در نهایت شکوه و جلال نمایانده شده است. به عقیده هر تسفلد این مجلس تقلیدی از یک نمونه کهنتر عصر ساسانی است که در آن چهره پادشاهان جهان که به سلام خسرو پرویز آمده اند نگاشته بوده است. (تجویدی ۱۳۵۲، ۶۶)

در کاخ معروف جوسق الخاقانی که از دوره عباسیان بر جای مانده نفوذ هنر ساسانی را به وضوح می بینیم. از میان نقوش انسانی متعدد که بر دیواره این کاخ نقاشی شده، یکی مجلس رقص و دیگری بانویی در حالی که گوساله ای را بر دوش خود حمل می کند را می توان نام برد.

در مجلس رقص پیکر دو بانو به صورت قرینه سازی در برابر هم ترسیم شده اند مشاهده می شود. هر یک از آنان یکی از پاهای خود را بالا برده و متقابلاً به سان ساقیان با صراحی خود جام دیگری را پر میکند. اطراف اندام هابا خطوط سیاه مشخص قلمگیری شده است و رنگ ها به صورت مسطح بکار رفته و چین های لباس هابا خطوطی جاندار نمایش داده شده و با تموج رنگی اندکی که نباید آنرا با سایه روشن اشتباه کرد بدن بیشتری بخشیده است. همه عوامل این نقاشی از جمله طریقه نمودن چین های لباس در نمایش گیسوان بافته ی رقاصه ها و سربند مواج آنان همگی سنتهای هنری ساسانیان را به خاطر می آموزد. حالت سه رخ نمایی چهره ها نیز احتمالاً از هنر سغدی نشأت گرفته است. در صحنه بانویی که گوساله ای بر دوش دارد، قانون روبرو نمایی و همچنین استفاده از حالت تخت و بدون چین و شکن برای لباس، از خصوصیات است که این دو نقش را از هم تمیز می دهد و مامی توانیم تاثیرات هنر هندی را در این نقش مایه بیشتر بینیم موضوع این اثر از داستان معروف ایرانی بهرام و آزاده گرفته شده است. لازم به ذکر است که در دوره عباسی با ترجمه ی کتابها از زبان های پهلوی، سانسکریت و یونانی به عربی و نسخه برداری از این کتابها، تصویر سازی در آنها رایج شد. به عنوان مثال کتاب دیسقوریدوس به تاریخ ۶۱۹ ه. ق کتابی بسیار شکوهمند است. از خصوصیات پیکره ها و نقوش این کتاب می توان گفت: پیکره های انسانی هم در نقش و رنگ آمیزی جامه ها و هم در طرح و رنگ آمیزی، شیوه نگارگری مانویان را به خاطر می آورد. چهره ها نژاد سامی (عربی) دارد. جامه ها و لباسها به شیوه نقاشی های بیزانس است، رنگ نیز در این نگاره ها یا بسیار اجمالی است و یا اصلاً وجود ندارد. (آشوری ۱۳۶۳، ۷۶)

از این به بعد نقوش انسانی دیگر که مربوط به هنر اسلامی می شود بیشتر شامل نقوش انسانی بر روی سفالینه ها، کتب علمی، داستانی، تاریخی و ... می باشد. به نقوش انسانی مربوط به هنر دوره سامانی و سلجوقی در فصلهای آتی اشاره شده است. مصور ساختن کتاب در این ادوار با ویژگی های نژادی ادامه یافت. نمونه های کتب موجود، مشابهت کاملی با سفالینه های لعاب دار این دوران دارد و همان نقش ها را با جزئیات و دقت کامل بر روی سفالینه ها می بینیم. از قدیمی ترین کتاب ها مصور این دوره اندرنامه است که تاریخ ۴۸۴ ه.ق دارد و به همراه کتاب "ورقه و گلشاه در موزه توپکاپی استانبول نگهداری می شود. در مکتب سلجوقی نقش ها و تزئینات بر روی متن رنگ آمیزی شده پدیدار می شود. چهره ها با چشم های بادامی و شبیه به نژاد زرد و لباس ها با گل و گیاه و نقوشی به سبک اسلیمی تزئین می شد. پس از دوره سلجوقی، زمان استیلای مغولان بر ایران، نقطه عطفی در نقاشی ایرانی بوجود نمی آید. از این پس نقوش ایرانی را بیشتر در نگاره های کتب معروف می بینیم که خصلت های معروف بخود را دارند و در هر زمان با آمدن شیوه ی نو بوسیله ی هنرمندان برجسته تحول پیدا کرده اند. هنر نگارگری در سده های هشتم تا دهم مدارج کمال را پیمود و سرانجام در سده های هشتم تا دهم مدارج کمال را پیمود و سرانجام در سده یازدهم از پویندگی بازماند. در خلال این چهار قرن، مغولان، اینجویان، مظفریان، تیموریان، ترکمانان، ازبکان و صفویان بر بخشهای از ایران بزرگ فرمان را ندادند.

به عنوان مثال در زمان ایلخانان مغول نقوش انسانی در نگارگری در جلوترین بخش فضای تصویری جای گرفت. چهره ها گاه گاه تمام رخ هستند و از عناصر چینی در این نقوش به وفور استفاده شده است. در میانه سده هشتم و مکتب جلایریان، نقوش انسانی در نگارگری ها (مخصوصاً در نگاره های جنید) کوچک اندازه و در داخل منظره طبیعی و درون معماری (دیوارها و در های منقوش) جای گرفته اند. آدمها عموماً بلند قامت و لاغر اند و چهره ی گرد دارند و حرکشان نرم و ملایم است. (رهنورد ۱۳۸۶، ۱۳)

در شیراز و در عهد مظفریان (ربع سوم سده هشتم) پیکره های انسانی، لاغر با سر بزرگ و چهره سه رخ ریش دار، باطراحی ظریف و گه گاه خام دستانه به تصویر کشیده می شود.

مکتب هرات در زمان تیموری نیز دوره ای طلایی از نظر فن نگارگری به شمار میرود و هنر مندان زیادی را در خود میگنجانند. از خصلتهای نقوش انسانی نگاری این دوره می توان گفت که پیکرها اغلب با قامت بلند و موقر و چهره ها ریش دار ترسیم می شدند. در ضمن صحنه های شکار و کارزار و مجالس بزم و ضیافت نیز از موضوعات اصلی نگاره های این مکتب می باشد. (رهنورد ۱۳۸۶، ۸۰)

در سده نهم و در زمان ترکمنان، کارگاه ها شیوه های متأثر از مکتب هرات اما با خصلتهای متفاوت پدید آورده اند که مشخصه ی بارزشان پیکره های خپل، چهره ی گرد، با ابروان قوس دار و دهان و بینی کوچک بود.

در همین مکتب (هرات) هنرمندان زیادی دست به ابداع و نو آوری در خصوص ترکیب بندیها و نقوش انسانی زده اند که مهمترین این هنر مندان کمال الدین بهزاد است. او به مدد طراحی قوی، پیکره های یکنواخت و بیحالت در نقاشی پیشین را به حرکت در آورد؛ حالتها، قیافه ها و رنگ چهره ها را تنوع بخشید؛ طبیعت و معماری را به مکان فعل و عمل

آدمها بدل کرد و در این محیط برای هر پیکر جایی مناسب در نظر گرفت. در زمان شاه اسماعیل، هنر مندان از سبک بهزاد پیروی کرده و آثار با ارزشی را آفریدند. در نیمه دوم قرن نهم در اغلب نگاره‌ها گرایشی نو به چشم می‌خورد که در چند نگاره به نظر می‌رسد که سبک تبریز با سنتهای پیشین خراسان آمیخته شده است. در مورد نقوش انسانی، این ویژگیها را می‌توان نام برد؛ جوانهای لاغر با چهره گرد و شخصیتی که هیچ ارتباطی با موضوع داستان ندارند جای با اهمیتی را در صحنه اشغال کرده‌اند. در نیمه دوم سده دهم با پدیده جدید در نقاشی ایران روبرو می‌شویم و آن طراحی و نقاشی جداگانه و مستقل از کتاب است. نقوش انسانی این نگاره‌ها از این قرار است: غالباً پیکری یا زوجی جوان به اضافه چند گیاه و ابر پیچان بر زمینه‌ی ساده بازنمایی شده‌اند که این نقوش در مرقعات جای می‌گرفتند. در زمان شاه عباس، هنرمند معروفی بنام رضا عباسی نوآوری‌هایی در نگارگری ایران بوجود آورد. از خصلتهای نقوش انسانی نگاره‌های وی و شاگردان او می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ در مجالس نگارگری رضا عباسی آدمها معدود، بزرگتر از اندازه متعارف و غالباً بی‌ارتباط با محیط هستند.

این نقوش توسط وی به دیوار نگارنگارها نیز راه یافته و برای تزئین عمارتهایی نظیر عالی قاپو از آن استفاده گردید. در مورد وی این نکته مهم را می‌توان اشاره کرد، که او هنر مندیست که در صورت سازی در کاشی، بعد از دوره سلجوقی دست به نوآوری‌های ازنده‌ای زد. در سده‌های یازدهم و دوازدهم دیوارنگاهایی را که مربوط به زمان شاه عباس دوم می‌باشد را می‌توان دید که موضوعاتی مثل مجلس بزم شاه عباس کبیر و پذیرایی او از ولی محمد خان پادشاه ترکستان، جنگ شاه اسماعیل اول قشون عثمانی در چالدوران و ... را شامل می‌شود. که در این نقوش شاهد تاثیرات هنر اروپایی هستیم (فرنگی سازی) به عنوان مثال استفاده از سایه روشن و پرسپکتیو و ... هنر ایرانی تا اواخر عهد صفویان سرزندگی و اصالت خود را حفظ کرد. و از آن به بعد راه تقلید آگاهانه یا ناآگاهانه از هنر اروپایی گشوده شد. در این رهگذر، روح خلاق ملی که از دیر زمان محرک هنرها بود از توان افتاد.

در عهد زندیه نیز شاهد سبکی بنام پیکر نگاری هستیم یعنی نقوشی از پادشاهان که در نهایت جلال و شکوه نمایش داده می‌شد. مردان با ریش بلند و سیاه، کمر باریک و نگاه خیره در حالی که دستی بر شال کمر و دست دیگری بر قبضه خنجر دارند نمایانده شده‌اند و زنان با چهره بیضی، ابروان پیوسته، چشمان سرمه کشیده و انگشتان حنا بسته در حالتی مخمور به تصویر درآمده‌اند.

در عهد قاجار نیز شاهد آثاری هستیم که به تقلید از آثار هنرمندان اروپایی بوجود آمده‌اند و نقاشی‌های رنگ روغنی با ارزشی از این دوره بجای مانده که نقوش، چه انسانی، چه غیر انسانی به تقلید از هنر اروپایی به شیوه‌ی واقع‌گرایانه ترسیم شده‌اند. (رهنورد ۱۳۸۶، ۱۷۷)

نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای نیز در ایران جایگاه مهمی دارند. این نقاشی‌ها که ریشه در آداب و سنن و مذهب ایرانیان دارد شامل موضوعات حماسی و مذهبی است. نقاشان عنوان خیالی سازی را برای آثارشان برگزیده بودند تا از نقاشانی که به واقعیت عینی می‌پرداختند متمایز باشند. از خصلتهای بارز نقاشی قهوه‌خانه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- نام اشخاص در کنار تصویرشان نوشته می‌شود.